

## Book Review, "Mr doctor" from the perspective of oral history Mostafa Pirmoradian<sup>1</sup>, Akram Shasanaei<sup>2</sup>, Mohsen Mohammadifesharaki<sup>3</sup>

1- Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2- Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**Abstract:** Sacred Defense (1980-1988 A.D) is one of the main topics in the contemporary oral history of Iran; Especially since the conditions of the country's defense and the importance and speed of decisions have led to the fact that what happened is not fully recorded, also a very small part of the decisions and circumstances that led to the decisions are recorded and the rest were in the memory of people involved or witnesses. Not in official documents, on the other hand, the significant statistics of the productions of the oral history of the Holy Defense require that we critique and analyze the published works and strengthen the strengths and eliminate the weaknesses.

The book "Mr. Doctor" is one of these books that in this article we have reviewed it from the perspective of oral history and we have answered the question of what strengths the book has and in what areas it needs more reflection.

Research Method / Approach: Utilizing library and interview data.

Findings: Mr. Doctor's book is one of the oral history books that deals with the subject of health and treatment in the 14th Imam Hussein (AS) Division items also faces a lack of active interview methodology.

**Key Words:** Oral history, "the doctor", Kashfiazaad, Imam Hussein Division of Medicine

### نقد کتاب آقای دکتر از منظر تاریخ شفاهی

مصطفی پیرمردیان<sup>۱\*</sup>، اکرم شاسنائی<sup>۲</sup>، محسن محمدی‌فشارکی<sup>۳</sup>

۱- دانشیار گروه تاریخ و ایرانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

### چکیده

**هدف:** دفاع مقدس (۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ ه.ش) از موضوعات اصلی تاریخ شفاهی معاصر ایران است؛ به‌ویژه آنکه شرایط دفاع از کشور و اهمیت و سرعت تصمیم‌گیری‌ها موجب شده بود اتفاقات افتاده به‌طور کامل ثبت نشوند. همچنین، بخش بسیار اندکی از تصمیمات و شرایطی که به اتخاذ تصمیمات منجر شده‌اند، ثبت شوند و بقیه در حافظه افراد دخیل یا شاهد وجود داشته باشند، نه در اسناد و مدارک رسمی. همچنین، آمار درخور توجه تولیدات تاریخ شفاهی دفاع مقدس ایجاب می‌کند آثار منتشرشده، نقد و واکاوی و نقاط قوت، تقویت و نقاط ضعف، برطرف شوند.

کتاب آقای دکتر از این مجموعه کتاب‌هاست که در این نوشتار، از منظر تاریخ شفاهی، نقد و بررسی و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که کتاب دارای چه نقاط قوتی است و در چه زمینه‌هایی به تأمل بیشتر نیاز دارد.

**روش / رویکرد پژوهش:** بهره‌مندی از داده‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه.

**یافته‌ها:** کتاب آقای دکتر از کتاب‌های تاریخ شفاهی است که به موضوع بهداشت و درمان در لشکر ۱۴ امام حسین (ع) پرداخته و با توجه به اینکه مصاحبه‌گر جزو نیروهای امدادگر لشکر بوده، نسبت به موضوع شناخت داشته است؛ ولی در مواردی با ضعف روش‌شناسی مصاحبه‌فعال نیز روبه‌روست.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخ شفاهی، آقای دکتر، کشفی‌آزاد، بهداری لشکر امام حسین (ع).

\* Corresponding Author: Mostafa Pirmoradian

E-mail address: mostafapirmoradian@yahoo.com, ak.shasanaei@gmail.com, fesharaki311@yahoo.com

Copyright2021@Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran. All rights reserved

## مقدمه

حوادث پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن، جنگ تحمیلی، دارای اهمیت بسیاری در تاریخ معاصر ایران است؛ چه آنکه تاریخ معاصر ایران به طور کلی به دو دوره قبل از انقلاب اسلامی و پس از آن تقسیم‌بندی می‌شود و اگر مقاومت، همبستگی و وحدت ملی در حوادث و مشکلات پس از انقلاب وجود نداشت، شاید امروز شکل دیگری از نظام جمهوری اسلامی وجود داشت؛ البته بدیهی است در شرایطی مانند جنگ تحمیلی که تصمیمات باید به سرعت اتخاذ می‌شدند و همچنین، آماده‌نبودن کشور برای ورود به جنگ ۸ ساله و غلبه و نقش‌آفرینی نیروی جوان باعث می‌شد روند تصمیمات با شرایط عادی بسیار متفاوت باشد؛ همان‌گونه که ضرورت‌ها نیز متفاوت بودند.

تیپ ۱۴ امام حسین(ع) و سپس لشکر امام حسین از لشکرهای خط‌شکن در طول دفاع مقدس بودند که در عملیات‌های سرنوشت‌ساز در دوران دفاع مقدس نقش مهمی بر عهده داشتند؛ لشکری که خط‌شکن است و جزو نخستین نیروهایی است که وارد عملیات می‌شود، نیاز مبرمی به تجهیزات و پشتیبانی مانند درمانگاه و بهداری دارد. وظیفه رسیدگی به مجروحان را در صحنه نبرد امدادگران بر عهده داشتند و در صورت نیاز، مجروحان پس از انجام اقدامات اولیه بایستی به مکان مجهزتری برای ادامه درمان منتقل می‌شدند. کتاب آقای دکتر حاصل بیش از ۵۰ جلسه مصاحبه مرتضی مساح با یوسف کشفی‌آزاد، نخستین فرمانده بهداری لشکر ۱۴ امام حسین است. او اطلاعات ارزشمند و جالبی را از مرحله احساس نیاز به بهداری و لزوم تشکیل آن تا تشکیل و تجهیز آن روایت می‌کند. در این مقاله، این کتاب به‌ویژه از منظر تاریخ شفاهی (محتوایی) نقد و بررسی شده است.

## معرفی کتاب

آقای دکتر نام کتابی است در حوزه تاریخ شفاهی دفاع مقدس با روایت حاج یوسف کشفی‌آزاد، نخستین فرمانده بهداری لشکر امام حسین(ع). مرتضی مساح، کار مصاحبه، تحقیق و نگارش و حسینعلی محمدی جزی ویراستاری کتاب را انجام داده‌اند. مطالب کتاب در ۷۳۴ صفحه آمده است که

با افزودن آلبوم عکس و اسناد و فهرست اعلام و منابع و مآخذ، شماره صفحات آن به ۷۷۶ می‌رسد و انتشارات ستارگان درخشان در سال ۱۳۹۴ در ۳۰۰۰ نسخه در قطع وزیری، نخستین چاپ آن را روانه بازار کتاب کرده است. (کشفی‌آزاد، ۱۳۹۴: شناسنامه و متن کتاب)

رسول خوانساری صفحه‌آرایی کتاب را بر عهده داشت؛ ولی از طراح جلد کتاب نامی ذکر نشده است. طرح جلد کتاب تناسب خوبی نیز با عنوان و موضوع کتاب دارد. طرح روی جلد کتاب، یک کیسه خونی مانند قمقمه‌های آب رزمندگان است و کاور آنها را دارد که کمی هم خونی شده است. یک قیچی جراحی و برش کوتاهی از متن کتاب در پشت جلد کتاب دیده می‌شود. ادامه تصویر روی جلد کتاب نیز در عطف کتاب به چشم می‌خورد که خون به زیر یک پانسمان می‌رسد و نام کتاب روی پانسمان، چاپ شده و اطلاعات کتاب مانند مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر و انتشارات کتاب در عطف کتاب نوشته شده است؛ البته در صفحه شناسنامه کتاب لوگو مؤسسه فرهنگی پژوهشی روایت همیشه‌های هنوز اصفهان نیز وجود دارد؛ ولی در قسمت اطلاعات ناشر به آن اشاره‌ای نشده است. کتاب «به آنانی که مصمم‌اند تا راه شهدای لشکر امام حسین را رهرو باشند...» تقدیم شده است و پس از صفحه تقدیم کتاب، عکس دلنوشته کشفی‌آزاد مشاهده می‌شود که کتاب را به هم‌زمان شهیدش در بهداری و شهدای امدادگر تقدیم کرده است و در ادامه، از مصاحبه‌گر کتاب تشکر کردند که از امدادگران نوجوان بهداری لشکر است.

فهرست مطالب کتاب ابتدا با توجه به مقاطع زندگی مصاحبه‌شونده تا اعزام به جبهه و سپس عملیات‌های مختلف دوران دفاع مقدس و تغییر و تحولات در بهداری لشکر و نقش بهداری در عملیات‌ها فصل‌بندی شده که جز پیش‌گفتار که نوشتار مصاحبه‌گر درباره نوع و زمان مصاحبه‌ها و روند نگارش کتاب است و فصل‌های آلبوم عکس و اسناد، فهرست واژه‌ها و اسامی و منابع و مآخذ، ۲۶ فصل است که از دوران کودکی یوسف کشفی‌آزاد آغاز می‌شود. سپس عملکرد عملیات‌های فرمانده کل قوا، حصر آبادان، آزادسازی بستان، جزابه، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، محرم، والفجر

ایشان بنا به گفته خودشان در حیطه تاریخ شفاهی اند (همان).

### نقد شکلی کتاب

طرح جلد کتاب با موضوع و عنوان کتاب همخوانی دارد؛ اگرچه نام طراح آن ذکر نشده است. کتاب، فصل‌بندی شده و سیر زندگی کشفی آزاد و روند شکل‌گیری و تجهیز و گسترش بهداری لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به ترتیب زمانی بیان شده است که در فهم بهتر مطالب به خواننده کمک می‌کند. بیشتر ارجاعات متن کتاب شامل افراد و عملیات‌ها و مکان‌ها می‌شود که به صورت زیرنویس آمده‌اند؛ ولی بعضی موارد از قلم افتاده‌اند.

نثر ساده و روان، کتاب را با توجه به اینکه در حوزه موضوعات تخصصی جای می‌گیرد، در زمره کتاب‌هایی قرار داده است که برای فهمیدن آن لازم نیست مدام به کتاب‌های دائرةالمعارف مراجعه شود و اگر کلمات تخصصی برای ما ناآشنا باشند و منظور از بعضی کلمات دانسته نشود، با توجه به صحبت‌های قبل و بعد از آن، مفهوم آنها مشخص می‌شود؛ گرچه بهتر بود بعضی اصطلاحات پزشکی و جنگی در پاورقی توضیح داده شوند؛ البته شاید دلیل بی‌توجهی به این موضوع، آشنایی مصاحبه‌گر با اصطلاحات بوده که برایش فهم‌پذیر بوده و نیازی به طرح سؤال در طول مصاحبه و در مرحله نگارش، شرح و توضیح در پاورقی نداشته است.

از لحاظ روش تحقیق، اسامی آمده در کتاب به پاورقی ارجاع داده می‌شود که ارزش اطلاعات کتاب را بیشتر می‌کند. توضیحات ارائه‌شده در پاورقی‌ها بیشتر از قول کشفی آزاد است. به نظر نگارندگان، بهتر بود تنها به توضیحات آقای کشفی آزاد اکتفا نشود و برای تکمیل توضیحات ایشان و ارجاع مستندتر از منابع رسمی (کتاب‌ها، اسناد، آرشیوهای صوتی و تصویری) استفاده شود. همچنین، افرادی از قلم افتاده‌اند و راجع به آنان مطلبی نیامده که در واقع حق آنان آدا نشده است و شایسته بود درباره آنان نیز مطلبی نوشته می‌شد؛ مانند سیدعلوی در صفحه ۵۶، یزدانی در صفحه ۱۵۶، محرابی در صفحه ۱۶۷، نیکی در صفحه ۴۴۱، غزالی در صفحه ۵۰۲ و ... مسئله دیگر در این رابطه آن است که در روش تحقیق، مطلوب آن است که در نخستین باری که نام فرد می‌آید، باید

مقدماتی، والفجر ۱، ۲ و ۴، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۳، ۴ و ۵ بررسی شده است. در فصل پایانی کتاب، قبل از آلبوم عکس‌ها و فهرست اعلام و منابع نیز فصل مدیریت تجربه‌هاست که کم‌حجم‌ترین فصل کتاب، ۲ صفحه است و به مسئولیت‌های کشفی آزاد پس از فرماندهی بهداری لشکر تا قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران اشاره می‌کند. (کشفی آزاد، ۱۳۹۴)

مصاحبه‌ها با آقای کشفی آزاد در ۵۰ جلسه و در طول ۱۴ ماه از سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و بیشتر به صورت صوتی بوده‌اند؛ جز ۲-۳ جلسه که تصویری نیز ضبط شده‌اند. مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلف با هماهنگی بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده انجام شد و نحوه ارتباط با آقای کشفی آزاد نیز به دلیل آشنایی قبلی و شناخت خانوادگی کار سختی نبود. جلسات پیش‌مصاحبه حدود ۲-۱ ماه طول کشید که از طریق مشاهده آلبوم عکس‌ها و مطالعه کتاب‌ها و اسناد باقی‌مانده و زیارت گلستان شهدای اصفهان به‌طور مستمر، سعی در بازسازی و یادآوری خاطرات داشته‌اند. (مساح، ۱۳۹۷)

### معرفی نویسنده کتاب

مرتضی مساح در ۱۳۵۰/۰۲/۰۹ در خانواده‌ای با ۷ فرزند و سطح زندگی متوسط متولد شده‌است که به علت شغل پدر در تأسیسات پالایشگاه آبادان به آنجا مهاجرت کرده بودند. با آغاز جنگ عراق و ایران در سال ۱۳۵۹، از آبادان به اصفهان مهاجرت کرد که اقوام مادری‌اش در آن زندگی می‌کردند و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد. سال ۱۳۶۴ هم‌زمان با تحصیل در دبیرستان به‌عنوان امدادگر به عضویت بهداری لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در می‌آید و به مناطق عملیاتی اعزام می‌شود.

همه خواهر و برادران مساح، به‌جز خواهر بزرگشان که در سن کم ازدواج کرد، تحصیلات عالی دارند. ایشان نیز دارای مدرک کارشناسی رشته نرم‌افزار از دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی است. او تا کنون موفق به انتشار ۱۱ عنوان کتاب شده است که جز دو عنوان ترجمه که در رشته تخصصی ایشان بوده، بقیه مربوط به حوزه دفاع مقدس‌اند و بیشتر آثار

نیزارها صحبت می‌شود که باعث به شهادت رسیدن تعدادی از رزمندگان ایرانی نیز می‌شود.

صراحت کلام آقای کشفی آزاد و نیز آشنایی قبلی آقای صراح با ایشان و موضوع بحث شده، کمک بسیاری به این مسئله می‌کند؛ چه بسا این مطلب یکی از مگوهای جنگ بوده است؛ ولی در لابه‌لای کلام و در جریان واقعه‌ای دیگر بیان می‌شود، که این یکی از امتیازات خاص تاریخ شفاهی است. این اتفاق در بخش‌هایی از کتاب مدنظر به‌خوبی اتفاق افتاده است؛ به‌طور مثال، درباره‌ی ضرورت تشکیل واحد بهداری لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و چگونگی تجهیز آن، حتی زمانی که تجهیزات و آمبولانس‌های بیشتری مورد نیاز بوده، در کنار توجه به آمار و ارقام، به نحوه‌ی تهیه‌ی وسایل نیز توجه شده است. نمونه‌ی دیگر از این دست، اختلاف‌نظر حاج حسین خرازی با قرارگاه فتح در جریان عملیات‌هایی مانند عملیات والفجر ۱ دانست که ایشان مخالف انجام عملیات بوده‌اند؛ ولی چون از نظر قرارگاه باید عملیات انجام می‌شد، انجام عملیات را می‌پذیرد و عملیاتی که موفقیت‌آمیز هم نبود، انجام می‌شود؛ یا در جایی که حاج حسین خرازی به یکی از رزمندگان، سیلی محکمی می‌زند و بعد از او پوزش می‌خواهد. مطالبی از این دست برای خواننده‌ای که آن زمان را درک نکرده و در تلاش برای رسیدن به چنین الگو‌هایی است، جالب است؛ از این نظر که فرماندهان عالی‌رتبه‌ی جنگ کسانی بودند مثل خود ما، آنان هم عصبانی می‌شدند؛ همچنان که شادی و شوخی نیز بین آنان متداول بود یا اینکه مانند هر کار گروهی دیگر ممکن است اختلاف‌نظر و تنش بین افراد به وجود آید. همچنین، تجلی ولایت که در اطاعت و فرمانبری از مافوق است، سبب می‌شود حاج حسین خرازی آنچه دستور بوده است، انجام دهد. اینها مسائلی است که در حاشیه‌ی مطالب دیگر بیان می‌شود؛ ولی باعث تأثیرگذاری بیشتر اثر و ایجاد حس صداقت بین خالق اثر و مخاطب می‌شود و این از رسالت‌های تاریخ شفاهی است که به اینگونه داده‌ها بتواند دست پیدا کند. خواننده در این بخش از کتاب، با سبک فرماندهی و زندگی در جنگ آشنا می‌شود؛ بدون اینکه دچار شعارزدگی شود یا موضوع اصلی کتاب، پرداختن به موضوعات از این دست باشد.

ارجاع داده شود؛ در صورتی که در مواردی با اینکه نام فرد قبلاً آمده، ولی در مراتب بعدی ارجاع داده شده است یا اصطلاحات و مفاهیمی که در یک شهر استفاده می‌شود و ممکن است برای دیگران نامفهوم باشد، در پاورقی بیان شده‌اند؛ به‌طور مثال، در صفحه ۱۰۱ آمده «ما دو سه راه رفتیم و مجروح آوردیم» یا در صفحه ۳۲ بیان شده است «در ازای ۱۵ نانویی و ۵ مسجد، ۱۵۰ مشروب فروشی وجود داشت». اگر در پاورقی اشاره می‌شد که این از باب اغراق است، بهتر بود؛ زیرا با این نوع بیان، جامعه زیر سؤال می‌رود نه رژیم سابق؛ یا در صفحه ۳۳ آمده است «در حدود ۷-۸ کارتون به ما داد که لابه‌لای بارها گذاشتیم» و این گمان پیش می‌آید که کتاب‌های مؤسسه‌ی اصول دین در راه حق که زیر نظر آیت‌الله مصباح یزدی اداره می‌شد، ممنوع و قاچاق بوده است؛ در حالی که در آن زمان، نه آیت‌الله مصباح جزو روحانیون مبارز با رژیم بودند و نه کتاب‌های مؤسسه‌ی ایشان قاچاق و ممنوع‌التوزیع؛ بلکه این کتاب‌ها با تیراژ زیاد و با قیمت بسیار نازلی توزیع می‌شده است؛ یا در صفحه ۷۲ که از پیشینه‌ی سحابی سخن به میان می‌آید، مرحوم یدالله سحابی با پیشینه‌ی نامعلوم و ذهنیت سوسیالیستی معرفی می‌شود؛ در حالی که ایشان عضو نهضت آزادی و مخالف سوسیالیزم بودند تا موافق و بیشتر به‌عنوان چهره لیبرال شناخته شده‌اند. همچنین، اگرچه استفاده از نقشه‌ها و تصویرها و نامه‌ها از نقاط قوت یک اثر محسوب می‌شود، باید خوانا، واضح و شفاف باشند؛ اما در این کتاب نقشه‌ها و نامه‌ها خوانا نیستند؛ مانند صفحه ۱۳۱.

### نقد محتوایی کتاب

کتاب از تولد یوسف کشفی آزاد در فروردین ۱۳۳۳ شروع می‌شود و تا قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران در ۱۳۶۷ خاتمه می‌یابد. بحث اصلی کتاب، روند شکل‌گیری و تشکیل بهداری لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و اهمیت و نقش‌آفرینی آن در طول عملیات‌های مختلف است که اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌دهد. صداقت کشفی آزاد در بیان اهمیت بسیاری دارد و باعث اطمینان خواننده به کتاب می‌شود؛ مانند جایی که درباره‌ی عملیات محرم و آتش‌زدن

سوی اطلاعات جالبی ارائه شده در این کتاب، خاطراتی که به خصوص در بخش‌های میانی کتاب به بعد به فراخور موضوع بازگو شده، یک نقطه قوت است؛ هم برای خواننده و هم برای مصاحبه‌شونده و هم برای مصاحبه‌کننده. برای خواننده از این نظر که هم‌زمان با خوانش متن در جاهایی یک فاصله کوتاهی می‌گیرد که فضایش به اصطلاح خودمانی‌تر می‌شود و دوباره به متن اصلی باز می‌گردد، با زبان و ادبیات رزمندگان نیز بیشتر آشنا می‌شود. برای مصاحبه‌شونده این حسن را دارد که وقتی خاطره‌ای را در خلال مصاحبه تاریخ شفاهی بیان می‌کند، این حس برایش ایجاد می‌شود که برای نظر من هم ارزش قائل‌اند و تنها به فکر دستیابی به آنچه در ذهن من است، نیستند؛ به‌ویژه اگر پیشنهاد خاطره‌گویی از طرف مصاحبه‌شونده مطرح شده باشد که در صفحات میانی کتاب به بعد همین اتفاق می‌افتد؛ فارغ از اینکه خاطره‌گویی حس خوبی را در راوی، ایجاد و در بازگویی مطالب کمک بسیاری به او می‌کند، ماندگاری خاطرات در ذهن فرد نشان از تعلق خاطر گوینده به آن فرد یا موضوع است. همچنین، مصاحبه‌کننده با حس خاطره‌انگیز به وجود آمده برای مصاحبه‌شونده، می‌تواند از آن در بهبود فرآیند مصاحبه بهره ببرد. اینجا لازم است به یکی دیگر از نقاط قوت کتاب اشاره شود. کتاب از زمان کودکی فرد آغاز می‌شود؛ از آنجا که دوران کودکی برای افراد در هر سن و سال و جایگاهی که باشند، خاطره‌انگیز است. فرد آماده می‌شود از کودکی تا بزرگسالی‌اش را بازگو کند و در همان گفت‌وگوهای ابتدایی با جریان مصاحبه، یعنی گفت‌وگویی دوطرفه همراه با پرسش و پاسخ، آشنا می‌شود و برای جلسات بعدی با آمادگی بیشتری حاضر می‌شود. وقتی مصاحبه‌شونده متوجه می‌شود به تاریخ‌ها و افراد و خط سیر حوادث توجه می‌شود و درباره آن سؤال می‌کنند که مهم‌ترین تفاوت خاطره‌گویی با تاریخ شفاهی نیز در این است. اگر درباره هر کدام از این موارد حافظه‌اش یاری نکند، سعی در به دست آوردن اطلاعات و تکمیل آنها دارد. او خودش هم باید بداند هدف از طرح تاریخ شفاهی، دستیابی به گنجینه اطلاعاتی است که چه بسا او تنها کسی است که می‌داند و زمانی ارزش کار مصاحبه‌کننده بیشتر می‌شود که به اطلاعات جامع‌تری در این زمینه دست

یابد؛ در ضمن این امکان را برای مصاحبه‌کننده فراهم می‌کند که شناخت بیشتری نسبت به مصاحبه‌شونده به دست آورد؛ البته باید در نظر داشت با توجه به اینکه همه خوانندگان، جنگ را تجربه نکرده‌اند و بعضی در آن زمان هنوز به دنیا نیامده بودند، سبک تدوین خاطرات باید به گونه‌ای باشد که تصور و تصویر صحنه‌ها و حوادث برایشان سخت یا ناممکن نباشد؛ اما این نقیصه در مواردی در این کتاب وجود دارد. خاطرات شفاهی و تاریخ شفاهی تفاوت‌های ظریفی با هم دارند که در اینجا به اصلی‌ترین تفاوت آنها اشاره می‌شود: خاطرات شفاهی به بیان خاطرات افراد در جریان یک حادثه می‌پردازند و معمولاً به خط سیر وقایع توجه نمی‌شود. خاطرات شفاهی، تنها برشی از یک اتفاق است؛ ولی تاریخ شفاهی به روند حوادث در خط زمان و مکان توجه دارد. زمان و مکان از عناصر اصلی علم تاریخ‌اند و در تاریخ شفاهی نقش کلیدی دارند.

مهم‌ترین نقد کتاب از نظر روش‌شناسی، آن است که کتاب بین موضوع محور بودن بهداری لشکر امام حسین (ع) و شخصیت محور بودن کشفی آزاد در حال نوسان است؛ گرچه شخصیت محور بودن کتاب نسبت به قسمت‌های موضوع محور بودن پررنگ‌تر است؛ اما طرح‌های تاریخ شفاهی به دو نوع کلی موضوع محور و شخصیت محور تقسیم می‌شوند که بهتر بتوان حق مطلب را ادا کرد؛ اگر بنا بود موضوع یعنی تشکیل بهداری لشکر و عملکرد او بررسی شود، پس باید از افراد دیگر که در جریان کار بودند نیز مصاحبه می‌شد و اگر بنا بود شخصیت محور باشد، که به نظر می‌رسد تأکید کتاب بر آن است، لزومی ندارد در مقاطعی که ایشان حضور نداشته‌اند یا در جریان کار نبوده‌اند، از ایشان مصاحبه شود و در صورتی که به نظر نویسنده و انتشارات، مصاحبه با ایشان برای تکمیل روند تشکیل بهداری لشکر ضرورت داشت، در حین گفت‌وگو این مطلب بیان می‌شد که ایشان به‌عنوان فرد مطلع درجه دوم ایشان، این اطلاعات را می‌دهند.

یکی از نقدهای جدی به کتاب، این است که گاهی گسستگی بین مطالب وجود دارد؛ البته یک احتمال هم هست که شاید این سؤالات پرسیده شده و پاسخ داده شده‌اند؛ ولی در تدوین نهایی کتاب، این مطالب استفاده نشده باشند؛ مانند

خواننده و مخاطبان از مجاری اطلاعاتی دیگر و آنگونه که آنان بیان می‌کنند، به این داده‌ها دست یابند و آنان را صحیح بدانند و دیگر نخواهند درباره‌اش به مطالعه جانبی بپردازند؛ مگر ادعای تاریخ شفاهی این نیست که تاریخ را برای آیندگان می‌نویسد. تاریخ شفاهی نمی‌خواهد و نمی‌تواند قضاوت کند؛ ولی باید واقعیت‌های تاریخی را مانند قطعه‌های پازل به‌خوبی کنار هم بچیند و اگر قطعه‌ای خالی باشد، آن را پر کند.

با توجه به اینکه روش‌شناسی تحقیق است که به کسب اطلاعات و نگارش هر اثری منجر می‌شود و در تولید محتوای اثر نقش بسزایی دارد و این کتاب به روش تاریخ شفاهی جمع‌آوری و نگاشته شده است، کتاب از منظر تاریخ شفاهی بررسی می‌شود که هم روش تحقیق و نگارش کتاب بوده و هم نوع نگارش آن. تاریخ شفاهی روش تحقیق نوین در تاریخ معاصر است که با انجام مصاحبه سعی در پرکردن خلأهای اسنادی دارد. به عبارتی دیگر، تاریخ شفاهی عبارت است از گفت‌وگویی فعال میان مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده برای تولید متن که ممکن است بعدها تبدیل به انواع نوشته‌ها شود؛ در عین حال، در زمان تولید، تاریخ شفاهی است. (نورائی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۶) هرچند پیشینه علمی و روشمند تاریخ شفاهی به سده اخیر بر می‌گردد، تاریخچه آن را به قبل از پیدایش خط نسبت می‌دهند. قرن‌ها بعد توسیدید نیز مصاحبه‌هایی با شرکت‌کنندگان در جنگ‌های پلوپونزی انجام داد. نمونه بارز اهمیت و جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ اسلامی، در روایات، احادیث و نقل حوادث قرن اول اسلام است؛ زمانی که کتابت احادیث، ممنوع و نقل شفاهی، تنها راه حفظ آن بود. تاریخ شفاهی، آگاهانه و در قالب مصاحبه‌های رسمی پیاده‌شده روی کاغذ از سال ۱۷۷۵م. و بعد از جنگ‌های لکسینگتون و کنکورده شکل گرفت و بعد از آن در کالیفرنیا و نیویورک گسترش پیدا کرد. قرن ۲۰ را باید عصر شکل‌گیری و گسترش تاریخ شفاهی نامید. از سال ۱۹۳۰م. اطلاعات با ارزشی در قالب خاطرات بازماندگان مهاجران به آمریکا جمع‌آوری شد. (حسن‌آبادی، ۱۳۸۶: ۸ و ۹) تاریخ شفاهی از دهه ۱۹۷۰م. و پس از اختراع ضبط صوت وارد مرحله نوینی از حیات خود شد. (ن.ک: نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۶) اگرچه بعضی معتقدند قبل از آن نیز

علت اختلاف آقای کشفی‌آزاد با لشکر و اینکه چرا لشکر دیگر نمی‌خواست با ایشان همکاری داشته باشد؛ در صورتی که آنچه به صورت تلویحی از متن برداشت می‌شود، این است که حاج حسین خرازی از کشفی‌آزاد حمایت می‌کرده است؛ علت اختلاف هم بیان نمی‌شود. چندین احتمال در این زمینه وجود دارد: شاید مساح، چه در زمان وقوع و چه بعد از آن از علت مطلع بوده است؛ شاید هم با توجه به اینکه کتاب درباره لشکر بوده و در زمره مسائل نظامی قرار می‌گیرد، از نگارش این مطالب و عمومی کردن آن اجتناب شده است؛ شاید هم دلایل دیگری دارد؛ مانند تغییر نگرش افراد یا منافع شخصی و گروهی یا هر احتمال دیگری؛ اگرچه با این روش نگارش و تدوین، این سؤال بیشتر در ذهن خواننده مطرح می‌شود که چرا اختلاف ایجاد شده و چرا در متن کتاب نیامده است! به نظر نگارندگان، بهتر آن است که نویسنده و انتشارات، به قدرت درک و تمییز خواننده احترام بگذارند و مطالب را بیان کنند و قضاوت را بر عهده خود خواننده بگذارند. همان‌گونه که در همین مطلب اشاره شد، یکی از محاسن کتاب اشاره به مگوهای جنگ بوده است؛ ولی الان اینکه چرا این مطلب نادیده گرفته شده، جای سؤال است. بهتر بود در متن کتاب به موضوع پرداخته می‌شد تا از ایجاد تفاسیر متعدد و گاهی متضاد با واقعیت جلوگیری شود و موضوع از منظر اسناد و شواهد یا کسانی که در بطن کار بودند و بهتر در جریان حوادث بودند، به صورت پاورقی بیان می‌شد. اگر این کتاب شخصیت‌محور در نظر گرفته شود، باز فرصت پاسخگویی برای دیگران فراهم است. چه‌بسا بیان چنین مطالبی باعث شود افراد مختلف از دیدگاه‌های مختلف و با توجه به نوع مسئولیتشان، وظایف و اختیاراتشان به بیان واقعیات تاریخی بپردازند و ابعاد مختلف آن نیز بیشتر آشکار شود و به باروری بیشتر ادبیات دفاع مقدس کمک کند. همچنین، توجه به یکی از کارکردهای تاریخ شفاهی را پررنگ می‌کرد و تجربیات نسل قبل در اختیار نسل‌های بعد قرار می‌گرفت؛ در صورتی که ترس از انتقاد و قضاوت دیگران دلیل این خودسانسوری بوده است. افراد آینده‌نگر حتماً به این مسئله توجه دارند که باید بعضی حریم‌های ساختگی از بین بروند و مطالب به‌خوبی و همان‌گونه که بوده و اتفاق افتاده است، بیان شوند، نه اینکه

کتاب) انتخاب سوژه به خوبی صورت گرفته است؛ اینکه قبل از دست دادن ایشان یا عدم همراهی ایشان به هر دلیل، به ایشان مراجعه شده است، نشان از شناخت نویسنده از موضوع و شخص مصاحبه‌شونده و اهمیت ثبت اطلاعات ایشان دارد. از دیگر محاسن کتاب این است که روند حوادث به صورت خطی بیان شده که در یک امتداد است و سعی شده است به ترتیب سال‌شمار مطرح شود و به بیان روایت و شناخت موضوع کمک بسیاری می‌کند.

آقای دکتر در حوزه تاریخ شفاهی اصیل<sup>۱</sup> جای می‌گیرد. علاوه بر آنکه در پیشگفتار کتاب آمده، در روش نگارش کتاب، یعنی همان پرسش و پاسخ، نیز این مسئله مشهود است. در تاریخ شفاهی، روش کار به این صورت است که فرد مصاحبه‌کننده به طرح سؤال می‌پردازد و هدفش استخراج و ثبت تاریخ لابه‌لای پرسش و پاسخ‌هاست. تاریخ شفاهی نوعی دیالوگ است. بعضی دیالوگ را با صحبت کردن و گفت‌وگو یکی می‌دانند؛ در حالی که با هم مشترکاتی دارند و مهم‌ترین آن از تجربیات شخصی خود گفتن است؛ ولی در ماهیت متفاوت‌اند. دکتر محمدرضا نیستانی در کتاب *اصول و مبانی دیالوگ* این دو را با هم مقایسه کردند و مهم‌ترین تفاوت‌ها را در این موارد شمرده‌اند: صحبت کردن، جدی و هدفمند نیست و هر کسی از هر دری سخن به میان می‌آورد و هیچ‌کس قصد و منظور مشخصی ندارد. همچنین، گفت‌وگو را یک رابطه گفت‌وشنود یا گفتن و شنیدن تعریف کرده‌اند؛ در حالی که دیالوگ از نظر ایشان معنای وسیع‌تری دارد و تمام زندگی انسان را در بر می‌گیرد؛ دیالوگ چیزی جز زندگی و روابط میان افراد نیست. دیالوگ را می‌توان روشی برای تفکر و اندیشیدن با دیگری دانست. در واقع دیالوگ جست‌وجویی است مشترک، خلاقانه، همدلانه و از روی دانایی برای فهم و شناخت مفاهیم جهان. از این دیدگاه، دیالوگ وسیله یافتن نیست؛ بلکه فرآیند، نگرش یا لحظه‌ای است که دو شخص یا بیشتر با یکدیگر ملاقات می‌کنند. (نیستانی، ۱۳۹۱: ۳۳-۱۳) ممکن است بعضی در لزوم ثبت تاریخ شفاهی به‌طور کلی و

تاریخ شفاهی وجود داشته، این نظر مورد اتفاق است که با فراهم آمدن امکان ضبط مصاحبه‌ها، تحولی در تاریخ شفاهی به وجود آمد که بتوان مستندتر از مصاحبه‌ها استفاده کرد و به آن ارجاع داد و در واقع زمینه دسترسی و ارزیابی ادعاهای مطرح‌شده برای دیگران نیز فراهم شد.

تاریخ شفاهی در تاریخ معاصر و درباره حوادث و موضوعاتی است که امکان مصاحبه با عاملان یا شاهدان آن حوادث فراهم است و در موارد کمبود اسناد، بسیار اهمیت پیدا می‌کند؛ (ن.ک: درکتابان، ۱۳۸۴: ۳۴-۲۹) حتی می‌توان به سراغ کسانی رفت که آن حادثه تاریخی را از طریق نقل قول و صحبتی، بدون واسطه از عامل یا شاهد شنیده‌اند. اگر حادثه تاریخی مرکز دایره فرض شود، هرچه از مرکز دورتر شویم و به عمد یا به ناچار به سراغ کسانی رویم که از این مرکز فاصله می‌گیرند، کارمان برای ارزیابی داده‌ها سخت‌تر می‌شود؛ ولی باز نباید شنیده‌های چنین افرادی کم‌اهمیت فرض شود.

در تاریخ شفاهی ایران معاصر، دو حادثه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس وجود دارد که می‌تواند دستمایه تحقیقات پژوهشگران قرار گیرد و هر کدام از جنبه‌ها و موضوعات این دو، قابلیت تعریف و اجرای طرح‌های تاریخ شفاهی را دارند. تاریخ شفاهی بهداری لشکر امام حسین (ع) که به روایت حاج یوسف کشفی آزاد و با مصاحبه، تحقیق و نگارش آقای مرتضی مساح تنظیم شده و بنا به گفته نویسنده، کتاب برتر دفاع مقدس در حوزه تاریخ شفاهی در سال ۱۳۹۶ نیز معرفی شده است (مساح، ۱۳۹۷)، از جمله موضوعاتی است که به صورت مستقل و در غالب تاریخ شفاهی به آن توجهی نشده بود؛ البته مرتضی مساح کتابی با عنوان *فرشتگان نجات* نوشته‌اند که موضوع آن، خاطرات امدادگران بهداری است. اهمیت این کتاب آن است که به صورت مستقل، روند تشکیل بهداری لشکر را در طول جنگ بررسی کرده و برای اینکار به سراغ شخص اول بهداری لشکر رفته‌اند؛ حاج یوسف کشفی آزاد، کسی که از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ در جبهه حضور داشت و جز چند مقطع کوتاه عهده‌دار این مسئولیت بوده‌اند و در طول این مدت از تصمیم‌گیرندگان اصلی در بهداری بود و قاعدتاً از جلسات و تصمیم‌های لشکر و قرارگاه درباره بهداری نیز بی‌اطلاع نبوده است. (کشفی آزاد، ۱۳۹۴: متن

۱. این اصطلاح را نگارندگان به این دلیل به کار برده‌اند که سؤالات و پاسخ‌ها به‌طور کامل آمده‌اند و ابتدا مصاحبه نشده و بعد به گونه‌های دیگر یا حذف سؤالات روایت شود.

است.

مرتضی مساح از کسانی بوده است که در بهداری لشکر خدمت کرده و با روحيات کشفی آزاد آشنا بوده است؛ ولی در بخش‌های ابتدایی کتاب که جلسات ابتدایی مصاحبه با ایشان نیز بوده است، نوعی رودربایستی و رعایت احترام به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که در بحث‌هایی مانند مسائل خانوادگی ایشان گسست وجود دارد و به طرح سؤال مجدد نمی‌پردازند و عملاً سؤال‌ها بدون پاسخ می‌مانند؛ مانند صفحه ۲۰ که کشفی آزاد از فرارشان از مغازه کفاشی عمویشان صحبت می‌کند؛ ولی تأثیر این اتفاق در زندگی ایشان و اینکه بعد از آن چه شغلی انتخاب می‌کنند، از قلم می‌افتد یا در زمینه مرگ پدرشان به نحوه گذران زندگی پس از مرگ پدر توجه نشده است؛ همان‌گونه که در صفحه ۱۸ شغل پدر مشخص نشده است یا درباره تعداد خواهران بعد از خودشان و اینکه متولد چه سالی اند، سخنی به میان نمی‌آید و تنها اشاره می‌شود «خواهرانم در آموزش و پرورش شغل معلمی دارند». در موارد گفته شده که سؤالی مطرح شده و به جواب نرسیده است، بهتر بود اگر مصاحبه‌شونده منظور مصاحبه‌کننده را از سؤال متوجه نشده است، با بیانی ساده‌تر و به گونه‌ای که کاملاً منظور از سؤال برای مصاحبه‌شونده روشن شود، به طرح مجدد سؤال پردازد؛ البته این امر در جلسات ابتدایی مصاحبه، به دلیل اینکه مصاحبه‌شونده هنوز در جریان کامل مصاحبه قرار نگرفته است و با شیوه کار انس ندارد و مصاحبه‌گر هم اشراف کمتری بر موضوع دارد، طبیعی است. برای ایجاد صمیمیت و اطمینان بیشتر بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده راههای مختلفی پیشنهاد می‌شود؛ مانند صحبت دوستانه درباره موضوعات مورد علاقه مصاحبه‌شونده، شناخت علاقه‌مندی‌ها و تمایلاتش و حتی پرداختن به موضوعات روز در خلال گفت‌وگوها و در زمان‌های استراحت بین مصاحبه. وقتی اعتماد به وجود آمد، حتی فرد مسائل شخصی‌اش را برای او می‌گوید یا ممکن است در طول مصاحبه و بیان اتفاقات مرتبط از مصاحبه‌گر بخواهد دوربین و ضبط صوت را خاموش کند که برای مصاحبه‌گر یک موفقیت بزرگ است. همچنین، ایجاد حس صمیمیت در فضای مصاحبه، به مصاحبه‌گر کمک می‌کند با فضای فکری مصاحبه‌شونده، بیشتر

به‌طور مشخص بهداری لشکر تردید داشته باشند و علت آن را وجود مصاحبه‌های خبری متعدد، چه در زمان جنگ و چه بعد از آن بدانند؛ در صورتی که یکی از تفاوت‌های ملموس مصاحبه‌های تاریخ شفاهی با مصاحبه‌های خبری این است که در تاریخ شفاهی، مصاحبه‌کننده بیشتر می‌تواند به طرح سؤال از مصاحبه‌شونده پردازد؛ زیرا هم زمان بیشتری برای انجام فرآیند مصاحبه دارد و هم اینکه فرد مصاحبه‌شونده با علم به اینکه قرار است درباره موضوع مدنظر به نوعی استنطاق شود، مصاحبه را پذیرفته است. پس باید بین مصاحبه‌های خبری که هدف آن، ارائه گزارش و عملکرد است، با مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تمییز قائل شد. اگرچه به‌ویژه در مصاحبه‌های موضوع‌محور، یکی از مباحث اساسی، ارائه عملکرد و گزارش است، تفاوت اساسی آن با مصاحبه خبری این است که در تاریخ شفاهی باید خط سیر مشخصی برای موضوع در نظر گرفته و دنبال شود و تنها به آمار و ارقام نمی‌توان بسنده کرد؛ بلکه باید چگونگی رسیدن به آمار و ارقام ادعایی و پروسه طی شده نیز مدنظر قرار گیرد. (پیرمرادیان، ۱۳۹۶) این کار در بخش‌هایی از کتاب به‌خوبی اتفاق افتاده است؛ به‌طور مثال، درباره ضرورت تشکیل واحد بهداری لشکر ۱۴ امام حسین(ع) و چگونگی تجهیز آن و حتی زمانی که تجهیزات و آمبولانس‌های بیشتری مورد نیاز بوده، هم به آمار و ارقام، هم به نحوه تهیه وسایل توجه شده است. تفاوت دیگر مصاحبه خبری با مصاحبه تاریخ شفاهی این است که در مصاحبه خبری معمولاً فرد از عملکرد خود و سازمان متبوعش دفاع می‌کند؛ ولی در تاریخ شفاهی، فرد چون در بستر حوادث و وقایع و در ارتباط با دیگر پدیده‌ها در حال صحبت است، چه‌بسا این عملکرد را چندان هم موفقیت‌آمیز نداند و خود، آن را نقد کند و یکی از دلایل آن را شرایط زمان حادثه بداند (ستوده، ۱۳۹۶)؛ مانند گفت‌وگو درباره عملیات محرم و آتش‌زدن نیزارها که باعث به شهادت رسیدن تعدادی از رزمندگان ایرانی می‌شود. صراحت کلام کشفی آزاد و آشنایی قبلی مساح با ایشان و موضوع بحث‌شده، کمک بسیاری به این مسئله می‌کند؛ چه‌بسا این مطلب یکی از رازهای جنگ بوده است؛ ولی در لابه‌لای کلام و در جریان واقعه‌ای دیگر بیان می‌شود و این یکی از امتیازات خاص تاریخ شفاهی



یا تدوین‌کننده کتاب آن را مطالعه کرد، کاستی‌های موجود را با مصاحبه‌های تکمیلی برطرف کند و اگر موضوعی مغفول مانده یا به‌خوبی پرورش داده نشده است، آن را در مصاحبه تکمیلی کامل کند.

مسئله دیگر در صفحات ابتدایی کتاب آن است که مصاحبه‌کننده متوجه بعضی تناقض‌ها نشده یا اگر شده، از کنار آن گذشته است؛ در حالی که وظیفه مصاحبه‌گر است که توجه کافی به وقایع و سیر رخدادها و ترتیب آنان بکند؛ برای مثال، در صفحه ۱۷ آنجا که کشفی‌آزاد درباره کودکی خود و از زلزله سال ۱۳۳۹ صحبت می‌کند، می‌گوید «من حدود ۴ سال بیشتر نداشتم»؛ در صورتی که در صفحات قبلی اشاره کرده بود، متولد سال ۱۳۳۳ است؛ بنابراین، ایشان در آن زمان، ۶ ساله بود. در مواردی مانند نمونه گفته‌شده، مصاحبه‌گر می‌تواند خودش، گفته مصاحبه‌شونده را تصحیح کند یا ایشان را متوجه تناقص کند؛ برای مثال، با یادآوری این مطلب که ایشان قبلاً اشاره کرده‌اند، متوجه چه سالی بوده‌اند. نمونه دیگر، صفحه ۱۸ است که به مرگ برادرشان در همان زلزله اشاره می‌کند؛ در حالی که در صفحه قبل، وقتی اسامی اعضای خانواده فوت‌شده‌اش را می‌گوید نامی از برادرش نیآورده است. همچنین، در همین صفحه می‌گوید فرزند سوم خانواده است و در صفحات قبلی اشاره کرده بود فرزند دوم خانواده است؛ حتی افرادی که به دلیل نوع شغل و مسئولیت‌هایشان، تجربه مصاحبه‌های متعدد را دارند، وقتی در جایگاه مصاحبه قرار می‌گیرند، دچار اضطراب می‌شوند و بعضی از داده‌ها را سهواً یا عمداً اشتباه بیان می‌کنند؛ چون هنوز در جریان مصاحبه قرار نگرفته‌اند و این وظیفه مصاحبه‌گر است که سعی در برطرف کردن اضطراب او کند و متوجه تناقضات و خلأها باشد. مشابه اشتباهات گفته‌شده، در صفحه ۶۳۳ و ۶۳۴ کتاب است که آقای کشفی‌آزاد می‌گوید «در فاصله بین عملیات بدر تا والفجر ۸، عملیات سنگینی به‌جز عملیات مهران که هدفش، گرفتن کله‌قندی و آزادسازی مهران بود، عملیات دیگری نداشتم» و در زیرنویس اشاره می‌شود عملیات مهران در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ انجام شده است. نویسنده اگر در ضمن مصاحبه متوجه اشتباه به‌وجودآمده نشده بود، در مرحله تدوین باید به این مسئله توجه می‌کرد که عملیات والفجر ۸ در تاریخ

آشنا شود و او را تجزیه و تحلیل کند نه قضاوت (ن.ک: کمری، ۱۳۸۷: ۱۹)؛ البته با توجه به آشنایی قبلی نویسنده با کشفی‌آزاد، بین حرف ایشان سؤالی نمی‌پرسند یا از ایشان درباره یک موضوع چندین بار سؤال نمی‌پرسند تا به پاسخ برسند یا اگر جایی ایشان از موضوع اصلی منحرف می‌شوند، ایشان را به موضوع اصلی باز نمی‌گردانند، بیشتر رودربایستی به نظر می‌رسد؛ ولی در ادامه کار، این نقیصه از بین می‌رود؛ برای نمونه، در صفحات یک چهارم پایانی کتاب سؤالات تکمیلی می‌پرسند؛ همان کاری که انجام آن توصیه می‌شود یا ایشان را به بحث اصلی باز می‌گردانند. تاریخ شفاهی چون مصاحبه‌ای باز است؛<sup>۱</sup> حتی سؤال‌های فرعی و میان‌متنی به مصاحبه‌کننده کمک می‌کنند به پاسخ سؤالاتش دست یابد و به مصاحبه‌شونده در به یادآوری بهتر وقایع تاریخی مدد می‌رسانند. (ستوده، ۱۳۹۶) فرآیند مصاحبه را نیز برای مصاحبه‌شونده لذت‌بخش می‌کند؛ چون او دوست دارد آنچه را درباره موضوعی می‌داند، بیان کند. اینکه مطالب گفته‌شده چه قدر با موضوع اصلی مرتبط است یا چه زمانی و در چه حدی، باید اجازه داد درباره آنها صحبت کند، به مدیریت جریان مصاحبه توسط مصاحبه‌گر بستگی دارد؛ او نقش ناخدایی را بازی می‌کند که از مسیر و نقشه راه، آگاه است و مصاحبه‌شونده مانند مسافری است که سوار بر کشتی است؛ پس مصاحبه‌گر است که مسیر را می‌داند و آغاز و پایان طرح را در ذهن یا روی کاغذ دارد. از منظری دیگر، مصاحبه‌های تاریخ شفاهی مانند سفر است؛ فرد از مبدأ شروع به حرکت می‌کند و مقصدی را برای خودش متصور است؛ سؤال‌های فرعی مانند جاذبه‌ها و و جاده‌های فرعی بین راهند که گرچه زیبا هستند، ممکن است فرد را از مسیر اصلی حرکت دور کنند که یا به مقصد مدنظر نمی‌رسد یا پس از طی کردن راه‌های دیگر و از دست دادن زمان و هزینه، به آن می‌رسد. این وظیفه مصاحبه‌کننده است که مصاحبه‌شونده را از دلربایی مناظر بین راه، رها و به مسیر اصلی هدایت کند. درباره مصاحبه‌های جلسات اول، راه پیشنهادی معمولاً این است که وقتی فایل‌های صوتی و تصویری پیاده‌سازی شد و مصاحبه‌گر

۲. در تاریخ شفاهی با توجه به نوع سؤالات، انواع مصاحبه بسته، باز و تلفیقی وجود دارد.

ماندگار.

### نتیجه

کتاب *آقای دکتر* و موضوع بحث شده آن، بهداری لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، از نظر انتخاب موضوع، نو و وسیع است و در این زمینه اگرچه شاهد نگارش کتاب‌هایی بوده‌ایم، نگارش کتاب مستقلی با این موضوع، جای خالی امثال این کتاب‌ها را در قفسه کتابخانه‌ها پر می‌کند. قطعاً کتاب از معیارهای درخور توجهی برخوردار است که توانست به‌عنوان کتاب برتر تاریخ شفاهی دفاع مقدس در سال ۱۳۹۶ برگزیده شود. هدف از نقد آن نیز توجه به مزیت‌های کتاب مانند شناخت قبلی مصاحبه‌گر با کشفی‌آزاد، بیان بعضی مگوهای جنگ و شکستن حریم‌های ساختگی، نثر روان و ساده، استفاده نکردن مکرر از کلمات تخصصی، ارائه توضیحات بیشتر در پاورقی‌ها و ... و برطرف کردن کاستی‌های آن است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

شناوربودن موضوع کتاب بین عملکرد کشفی‌آزاد و بهداری لشکر.

نبود دقت کافی در مصاحبه و تدوین مانند تناقض و اشکال در تاریخ عملیات‌ها، زمان ارتقای تیپ امام حسین (ع) به لشکر، سن و سال‌ها و حوادث. ناخوانا بودن نقشه‌ها و نامه‌ها و وجود اشکال در بعضی ارجاعات پاورقی.

از منظر روش‌شناسی، کتاب با بهره‌گیری از مصاحبه فعال تاریخ شفاهی نوشته شده که روش تحقیق نوین در تاریخ معاصر است که با انجام مصاحبه فعال، سعی در پُرکردن خلأهای اسنادی تاریخ معاصر دارد. مصاحبه فعال عبارت است از گفت‌وگویی که به‌صورت پرسش و پاسخ برای رسیدن به پاسخ سؤالات و دانسته‌های مصاحبه‌شونده درباره موضوع یا حادثه تاریخی انجام می‌شود و برای انجام آن، علاوه بر داشتن توانمندی و جسارت، علاقه و دغدغه‌مندی مؤثر است که در کتاب *آقای دکتر*، مرتضی مساح توانست از عهده آن برآید؛ اگرچه گاهی غفلت‌هایی نیز داشته است که بیشتر به نظر می‌رسد علت آن شناخت مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر با موضوعات و اصطلاحات باشد؛ در صورتی که

۱۳۶۴/۱۱/۲۰ انجام شد و عملیات مهران گفته شده با عملیات مرصاد در ۱۳۶۷/۰۵/۰۵ و درمقابل، عملیات فروغ جاویدان سازمان مجاهدین خلق با همکاری ارتش عراق، یکی انگاشته شده است. مشابه چنین خطایی در صفحات ۲۴۴ و ۲۶۵ است که اشاره به لشکر امام حسین (ع) می‌شود؛ در حالی که در این زمان تیپ امام حسین و تبدیل تیپ به لشکر بعد از عملیات فتح‌المبین بوده است یا در صفحه ۳۷۹ که از خاکریزهای مثلثی صحبت به میان می‌آید، سؤال می‌شود مانند ستاره داود بوده است؟ کشفی‌آزاد جواب می‌دهد: بله و مبحث ادامه می‌یابد که به نظر صحیح نیست و خاکریزهای مثلثی مانند M به هم چسبیده بوده نه مانند ستاره داود.

همچنین، در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی باید به این توجه داشت که سؤالات نباید چندوجهی باشند یا چندین سؤال در یک سؤال مطرح شود؛ بلکه باید مصاحبه‌کننده یک سؤال را مطرح کند و وقتی به پاسخ آن رسید، به طرح سؤال دیگر بپردازد؛ البته سؤال چندوجهی با سؤال مفصل فرق دارد و باید به تفاوت بین این دو توجه داشت. سؤال چندوجهی به موضوعات مختلف می‌پردازد؛ ولی سؤال مفصل، دست مصاحبه‌شونده را برای پرداختن مفصل به موضوع باز می‌گذارد. (ن.ک: سامر و کوینلن، ۱۳۹۲: ۴۵) این نقیصه به‌خصوص در مصاحبه‌های جلسات ابتدایی بسیار مشهود است که چندین سؤال با هم در یک سؤال، مطرح و در طول مصاحبه کمرنگ‌تر می‌شوند. در جلسات ابتدایی اینگونه به نظر می‌رسد که مصاحبه‌گر برای دستیابی به پاسخ سؤال‌هایی که دارد، کمی عجله دارد و این امر در طول مصاحبه‌ها به‌طور کامل برطرف می‌شود. درخور ذکر است از ویژگی‌های اصلی مصاحبه‌کننده، برخورداری از صبر و حوصله بسیار است. گاهی لازم است به مصاحبه‌شونده اجازه داده شود آنچه در ذهنش است یا مطلبی را که می‌خواهد به‌طریقی بیان کند، به زبان آورد و از نظر ذهنی از درگیری با این مسئله رها شود؛ سپس به ادامه گفت‌وگو بپردازد.

امید است در آینده شاهد نگارش و اجرای طرح‌های تاریخ شفاهی متعدد و برخوردار از روش‌های علمی باشیم و بتوانیم آنچه در اذهان رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس است، به‌عنوان اسناد مهم جنگ، ضبط و ثبت کنیم و در تاریخ

همه خوانندگان کتاب از چنین دانشی برخوردار نیستند.

#### د- مصاحبه‌ها:

- مساح، مرتضی، ۱۳۹۷/۰۲/۰۴، مصاحبه‌گر: اکرم شاسنائی، کارمند نگارستان امام خمینی (ره) اصفهان، ۴۷ سال، مکان: نگارستان امام خمینی (ره) اصفهان.

#### منابع

##### کتاب‌های فارسی

- باربارا. دبلیو و مری کی کوینلن، (۱۳۹۲)، *راهنمای تاریخ شفاهی*، ترجمه رضا مهاجر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- کشفی آزاد، یوسف، (۱۳۹۴)، *آقای دکتر*، مصاحبه، تحقیق و نگارش مرتضی مساح، ستارگان درخشان، اصفهان.
- نورائی، مرتضی و مهدی ابوالحسنی ترقی، (۱۳۹۴)، *تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران ۱۳۸۵-۱۳۵۸*، پژوهشکده تاریخ اسلام، تهران.
- نیستانی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، *اصول و مبانی دیالوگ*، آموخته، اصفهان.
- (۱۳۸۷)، *مصاحبه در تاریخ شفاهی مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی*، به اهتمام واحد تاریخ شفاهی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری، انتشارات سوره مهر، تهران.

##### مقالات فارسی

- حسن‌آبادی، ابوالفضل، (۱۳۸۶)، «تاریخ شفاهی و شفاهی‌نگاری در متون تاریخی (با تکیه بر کتاب تاریخ بیهقی)»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۱۸، صص ۸-۱۵.
- درکتانین، غلامرضا، (۱۳۸۴)، «استانداردهای روایت‌نگاهی به تاریخچه ضرورت و اهمیت موضوع تاریخ شفاهی»، *زمانه*، شماره ۳۴، صص ۲۹-۳۴.
- نورائی، مرتضی و علی‌اصغر سعیدی و ابوالفضل حسن‌آبادی، (۱۳۸۶)، «چند و چون‌های تاریخ شفاهی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۱۸، صص ۳۶-۴۳.

##### کارگاه‌ها

- پیرمردیان، مصطفی، (۱۳۹۶)، *کارگاه تاریخ شفاهی*، مؤسسه پیام آزادگان اصفهان، اصفهان.
- ستوده، مولود، (۱۳۹۶)، *کارگاه جامع تاریخ شفاهی*، مرکز اصفهان‌شناسی، اصفهان.

